آینه

ایران

سرمقاله: «سفر روحانی و قضاوت‌های شتابزده»؛ محمد نوری

جناح مخالف... هنوز سفر روحانی در نیمه راه بود که... نطق نخست‌وزیر انگلیس در سازمان‌ملل را مستمسک قرار داده و مدعی شدند که اظهارات دیوید کامرون که در بخشی از آن سیاست خاورمیانه‌ای ایران را زیر سوال برد نشانه‌ای از اشتباه محاسباتی مشاوران روحانی بود که یک‌روز قبل ملاقات کامرون با رییس‌جمهوری ایران را ترتیب دادند... حلقه تندروها در حالی برای ایجاد خدشه در کارنامه سفر روحانی خیز برداشته‌اند که خوشبختانه کارنامه سیاست خارجی دولت متحد آنها پیش‌روی افکارعمومی قرار دارد. منطق حکم می‌کند که ارزش سفر روحانی در قیاس با کارنامه سفر سلف او سنجیده شود. افکارعمومی هنوز فراموش نکرده که در همین سفرها نطفه چه بحران‌ها و برخوردهای خسارت‌بار علیه منافع ملی کشور بسته می‌شد. شاید فردا که محفل بحث درباره نتایج سفر دیپلمات‌های روحانی به نیویورک داغ شود ناظران واقع‌بین به‌خاطر بیاورند که در زمانی نه‌چندان‌دور در همین اجلاس سالانه سازمان‌ملل هیچ مقام اروپایی حاضر به ملاقات با دولت وقت نمی‌شد، نطق رییس‌جمهوری وقت را بایکوت می‌کردند و دیپلمات‌های همین جریان به‌جای خیل سرمایه‌گذاران و نمایندگان بخش‌های اقتصادی ناگزیر می‌شدند با گروه‌های اقلیت مانند کوکلس کلان‌ها عکس یادگاری بگیرند.

اعتماد

یادداشت: «کامرون و کامران؛ روحانی و کرمانی»؛ سرگه بارسقیان

انتظار می‌رفت که منتقدان داخلی روحانی سخنرانی کامرون را «نتیجه دیدارهای تاریخی، اعتمادساز و تنش‌زدا با غرب» بدانند و از رییس‌جمهور پاسخگویی به «زیاده‌خواهی انگلیس» را بخواهند و سیاهه مظالم تاریخی روباه پیر را بخوانند؛ چنانکه در این یک‌سال هر اظهارنظر تند و تهدیدآمیز آمریکایی‌ها را در صدر رسانه‌های‌شان نشاندند تا نشان دهند مذاکره با آمریکا، نگاه و لحن آنها را تغییر نداده و آنها همان هستند که بودند. این دیدگاه، هر مذاکره دیپلماتیکی را به شیوه کامران میرزایی تفسیر می‌کند. در حکایات تاریخی هست که کامران‌میرزا، نایب‌السلطنه قاجار و فرزند ناصرالدین‌شاه دو شال از میرزارضا کرمانی خرید و پولش را نمی‌داد. میرزارضا عاقبت به دیوانخانه کامران‌میرزا رفت تا طلبش را بگیرد. این جسارت میرزارضا، پسر شاه را برآشفت تا جایی که دستور داد پول شال‌ها را به او بدهند اما در ازای هر اسکناسی که به میرزارضا می‌دهند یک سیلی هم به صورتش بزنند. میرزارضا کرمانی همانی بود که پدر کامران‌میرزا را در حرم شاه‌عبدالعظیم کشت و سر خودش هم بالای دار رفت. با این تفسیر، برخی تصور می‌کنند هر مذاکره‌ای یا سیلی‌زدن دارد یا سیلی‌خوردن. اما نه روحانی، میرزارضا کرمانی بود و نه کامرون، کامران‌میرزا. دیدار روحانی با کامرون تنها یک مذاکره بود؛ مذاکره نه آتش‌بس است نه صلح. در دوره جنگ هم چنین مغالطه‌ای وجود داشت. مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم، میان دو طرف متخاصم ممکن است به نتایجی از قبیل آتش‌بس و ترک تخاصم یا یک صلح همه‌جانبه منجر شود یا ممکن است به هیچ نتیجه‌ای هم نرسد ولی در هر حال قبول اصل مذاکره به‌عنوان یک ابزار سیاسی می‌تواند در جهت پیشبرد هدف‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

کیهان

سرمقاله: «موج خون در دل لعل!»؛ حسین شریعتمداری

انتظار این بود که آقای دکتر روحانی در نطقی که از تریبون مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد در نیویورک ایراد کردند به اظهارات سخیف و اهانت‌های بی‌شرمانه نخست‌وزیر بی‌سروپای جزیره انگلیس علیه کشورمان پاسخ دندان‌شکن و پشیمان‌کننده‌ای می‌دادند ولی متأسفانه ایشان حق امانتی را که به‌عنوان رییس‌جمهور ایران اسلامی و مردم انقلابی و حماسه‌ساز آن برعهده داشتند، به جای نیاورده و از کنار سخنان گستاخانه دیوید کامرون با بی‌تفاوتی غیرقابل‌توجیه که برای دولت و ملت این مرز و بوم تحقیرآمیز بود! به‌سادگی عبور کردند و نه فقط به تصریح، بلکه به اشاره و تلویح نیز پاسخی به آن‌همه وقاحت و بی‌شرمی نخست‌وزیر انگلیس ندادند... خوشبینی برخی از دولتمردان محترم از جمله ریاست محترم جمهوری و وزیر محترم امور خارجه به حریف نیز نمی‌تواند در جرأت‌بخشیدن به نخست‌وزیر بی‌سروپای انگلیس برای اهانت به ایران اسلامی بی‌تاثیر تلقی شود... بالاخره؛ انتظار آن است رییس‌جمهور محترم به‌عنوان کمترین برخورد با اهانت نخست‌وزیر انگلیس به جمهوری اسلامی و مردم ایران، اعلام کنند مادام که نخست‌وزیر انگلیس رسما از ایران و مردم آن عذرخواهی نکند، حضور این کشور در گروه ۵+۱ را نمی‌پذیرند و شرکت در مذاکره‌ای که تیم انگلیس در آن حضور داشته باشد را تحریم کنند. این کار شدنی است... نباید خود را دست‌کم بگیریم.

رسالت

سرمقاله: «انگلیس از آمریکا بدتر آمریکا از انگلیس بدتر»؛ محمدکاظم انبارلویی

آقای کامرون خوب می‌داند ملت ایران از انگلیسی‌ها چه نفرتی دارند و لذا در ملاقات با رییس‌جمهور برخلاف عرف دیپلماتیک پای راست خود را روی پای چپ می‌اندازد تا با زبان بدن به ملت ایران اهانت کند. البته از رییس دیپلماسی هسته‌ای ایران جناب آقای دکتر ظریف باید تشکر کرد که به نمایندگی از ملت ایران پاسخ این اهانت را با همان زبانی که کامرون آشناست، داد. همچنین از سخنگوی وزارت خارجه باید تشکر کرد که پاسخ ظریف را تکمیل کرد.

تحقیق‌وتفحص‌های مجلس به کجا می‌رسد؟

برای ثبت در تاریخ

شرق، مهدی قدیمی: بنابر تصریح اصل هفتادوششم قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق‌وتفحص در تمام امور کشور را دارد.» اما نحوه اجرای این اصل از قانون اساسی و نتیجه استفاده نمایندگان ادوار مختلف مجلس از این اختیار مهم قانونی، تاکنون حاصل چندان درخور توجهی برای نهاد پارلمان در ایران نداشته است. مجلس نهم که در چالشی‌ترین وضعیت میان پارلمان و دولت کار خود را آغاز کرده بود، رکورددار طرح‌های تحقیق‌وتفحص در میان مجالس تاریخ ایران است. در این مجلس تا قبل از آغاز تعطیلات تابستانی اخیر، یعنی در شرایطی که اندکی بیش از دوسال از آغاز به کارش می‌گذشت، ۱۱۸طرح تحقیق‌وتفحص پیشنهاد شده بود. این آمار وقتی قابل‌تامل به‌نظر می‌رسد که بدانیم پیش از این در طول مجالس اول تا هشتم در مجموع ۱۸۲طرح تحقیق‌وتفحص ارایه‌شده بود. در هفته‌های گذشته نیز پیشنهاد تحقیق‌وتفحص‌های چالش‌برانگیزی نظیر تحقیق‌وتفحص از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها (پیشنهاد مجتبی رحماندوست)، تحقیق‌وتفحص از سازمان اوقاف (پیشنهاد جعفرزاده ایمن‌آبادی) و تحقیق‌وتفحص از سازمان تبلیغات اسلامی (پیشنهاد عیسی دارایی) مطرح‌شده و همزمان با این موارد، طرح تحقیق‌وتفحص از سازمان حفاظت از محیط‌زیست نیز تقدیم هیات‌رییسه شده است. تحقیق‌وتفحص‌هایی که اگر با همین روند ادامه پیدا کنند، بعید نیست در ۲۰ماه باقیمانده از عمر مجلس نهم، تعداد طرح‌های تحقیق‌وتفحص این مجلس را با تعداد کل تحقیق‌وتفحص‌های مجالس قبل، برابر کنند. در چنین شرایطی نگاهی به مهم‌ترین تحقیق‌وتفحص‌های انجام‌شده در مجالس قبلی و بی‌نتیجه‌ماندن گزارش‌های این تحقیق‌وتفحص‌ها، امیدواری‌ها را نسبت به کارآمدی این ابزار نظارتی کاهش می‌دهد.

تحقیق‌های ناکام مجلس ششم

ماجرای تحقیق‌وتفحص‌های پرسروصدا و ناکام مجلس را می‌توان از تحقیق‌وتفحص مجلس ششم از سازمان صداوسیما آغاز کرد. تحقیق‌وتفحصی که یک‌بار در مجلس چهارم و در زمان ریاست محمد هاشمی بر سازمان صداوسیما انجام شده و منجر به برخی تغییرات در این سازمان شده بود، اما در مجلس ششم، برخی نمایندگان اصولگرا معتقد بودند که تحقیق‌وتفحص از سازمان‌های زیرنظر رهبری، در صلاحیت مجلس نیست. علی‌اصغر هادی‌زاده، علی‌محمد نمازی و مرحوم احمد بورقانی از جمله نمایندگانی بودند که در آن جلسه با بیان استدلال‌های خود از حق مجلس در انجام این تحقیق‌وتفحص دفاع کردند. سرانجام حجت‌الاسلام کروبی با نگارش نامه‌ای خطاب به مقام‌معظم‌رهبری از ایشان خواست تا با تحقیق‌وتفحص فوق موافقت کنند و رهبری نیز در پاسخ به این نامه انجام تحقیق‌وتفحص را بلامانع دانستند. در جلسه روز پنجم تیر سال ۸۰ هم نامه تشکر ۱۹۶نفر از نمایندگان از رییس‌مجلس به‌دلیل کسب این موافقت از رهبری قرائت شد. در نهایت و پس از انجام این تحقیق‌وتفحص جنجالی، گزارش آن در سال ۸۲ در صحن مجلس قرائت و طبق قانون به قوه‌قضاییه ارسال شد تا خارج از نوبت به آن رسیدگی شود؛ تا اینکه در ماجرای استیضاح علی کردان در دولت احمدی‌نژاد، بار دیگر گوشه‌هایی از آن تحقیق‌وتفحص در خاطره‌ها زنده شد، جایی که گفته شده بود تنها در بررسی پنج‌شماره حساب متعلق به معاونت اداری مالی صداوسیما بیش از ۵۰۰میلیاردتومان بدون سند هزینه‌شده.

اوج‌گیری تحقیق‌های بی‌نتیجه در مجلس هشتم

اما حکایت تحقیق‌وتفحص‌های مجلس هشتم، داستانی دیگر بود. چرا که به‌دلیل روی‌کاربودن دولت احمدی‌نژاد و اعتقاد مجلسی‌ها به قانون‌شکن‌بودن این دولت، در مجلس هشتم آمار تقاضاهای تحقیق‌وتفحص رشد چشمگیری داشت. از تحقیق‌وتفحص شورایعالی ایرانیان خارج از کشور تا شرکت سایپا، تربیت‌بدنی، سهام عدالت، سازمان محیط‌زیست، علل واردات دام زنده به کشور، عملکرد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عملکرد صندوق بیمه کشاورزی، نحوه اجرای برنامه چهارم توسعه و البته سازمان تامین‌اجتماعی در فهرست پرونده‌های باز مجلس هشتم به چشم می‌خورد. اما بسیاری از آنها نیمه‌کاره رها شد و در موارد نادری نظیر تحقیق‌وتفحص از نحوه اجرای برنامه چهارم توسعه که انحرافات چشمگیر از برنامه احراز شد نیز برخوردی با دولت وقت صورت نگرفت. بسیاری از این تحقیق‌وتفحص‌ها به‌عنوان میراث مجلس هشتم به مجلس نهم رسید تا در میان انبوه تحقیق‌وتفحص‌های دیگر این مجلس منتظر رسیدگی و نتیجه بماند. در مجلس هشتم تقاضای تحقیق‌وتفحص از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها رد شد اما کمیته‌ای برای بررسی مسایل کهریزک تشکیل شد که گزارش آن در صحن علنی قرائت و بر مقصربودن سعید مرتضوی در این ماجرا نیز مهر تایید زده شد.

رکوردشکنی مجلس نهم در تحقیق‌وتفحص

مجلس نهم به غیر از تحقیق‌وتفحص از تامین‌اجتماعی که میراث مجلس قبل بود، تحقیق‌وتفحص‌های دیگری نظیر منابع مالی مسکن مهر، بانک‌مرکزی، سازمان بورس و دانشگاه آزاد را هم از پیشینیان خود به ارث برد و البته تحقیق‌وتفحص‌های جدیدی را هم کلید زد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، تحقیق‌وتفحص از صنایع خودروسازی، تحقیق‌وتفحص از صنایع مس و تحقیق‌وتفحص از بنیاد شهید بود. تحقیق‌وتفحص‌هایی که گزارش اولی در صحن قرائت شده و هیات‌رییسه مانند همیشه آن را به قوه‌قضاییه فرستاده تا مورد رسیدگی قرار بگیرد، مورد دوم قرار است تا پایان همین ماه نهایی شود و مورد چالش‌برانگیز سوم، یعنی تحقیق‌وتفحص از بنیاد شهید نزدیک به یک‌سال است که مسکوت مانده. مسکوت‌ماندن این تحقیق‌وتفحص پرحاشیه هم البته تداعی‌کننده مسایلی است که در مواردی نظیر تحقیق‌وتفحص مجلس هفتم از قوه‌قضاییه به‌وجود آمد. این مسایل که معمولا پیش از نهایی‌شدن گزارش تحقیق‌وتفحص‌های مهم پیش می‌آید، در کنار سرنوشت تحقیق‌وتفحص‌های پیشین، امیدواری‌ها به نتیجه تحقیق‌وتفحص‌های بعدی را هم کاهش می‌دهد. بی‌سرانجام‌ماندن گزارش‌های تحقیق‌وتفحص در شرایطی است که بر اساس قانون، قوه قضاییه باید این گزارش‌ها را خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار دهد. با وجود همه این مسایل، میراث به‌جامانده از عملکرد هشت‌ساله دولت قبل همچنان استفاده از این ابزار قانونی مجلس را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ابزاری که به گفته یوسفیان‌ملا، هربار استفاده از آن بیش از ۳۰۰میلیون‌تومان هزینه دارد. تحقیق‌وتفحص‌هایی که همچنان تنها برای ثبت در تاریخ هستند.

عنوان	از مجلس اول تا پایان مجلس هشتم	از ابتدای مجلس نهم تاکنون
تعداد کل تقاضاهای تحقیق‌وتفحص	۱۸۲	۱۱۸
تحقیق‌وتفحص‌های ارجاع‌شده به کمیسیون تخصصی	۷۱	۱۳
تعداد گزارش‌های قرائت‌شده در صحن	۵۸	۲
تعداد گزارش‌های ارجاع‌شده به قوه‌قضاییه	۲۲	۲

نایب‌رییس کمیسیون عمران در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

تهیه طرح کارآمدسازی تحقیق‌وتفحص‌ها

نایب‌رییس کمیسیون عمران در گفت‌وگو با «شرق» ضمن تاکید بر لزوم کارآمدشدن تحقیق‌وتفحص‌های مجلس، از تهیه طرحی خبر داد که به موجب آن قوه‌قضاییه هم نماینده‌ای در تیم‌های تحقیق‌وتفحص خواهد داشت. عبدالکریم حسین‌زاده، می‌گوید در صورت تصویب این طرح، امیدواری‌ها برای برخورد با متخلفانی که تخلفاتشان در گزارش‌های تحقیق‌وتفحص احراز شده افزایش خواهد یافت.

به نظر شما آیا تحقیق‌وتفحص‌های مجلس، تاکنون ابزار کارآمدی برای نظارت و رسیدگی در امور مختلف کشور بوده‌اند؟

مجلس زمانی در راس امور است که وظایف قانونی خود خصوصا وظایف نظارتی را به‌درستی انجام دهد. قانون اساسی اهرم‌هایی نظارتی در اختیار مجلس قرار داده که هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از مجلس سلب کند؛ ابزارهایی نظیر تذکر- سوال- تحقیق‌وتفحص- ماده۴۹-ماده۲۳۶-استیضاح-رای‌اعتماد-رای عدم‌کفایت-اصل ۹۰ - دیوان محاسبات - تصویب بودجه سالانه و... در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی هم داریم که وقتی نوبت به بررسی اصل مربوط به تحقیق‌وتفحص مجلس رسیده بود، شهید بهشتی گفته: «دیگر دوران اینکه به نمایندگان بگویند به شما مربوط نیست سپری شده» و بعد هم این بند با ۶۵رای موافق و یک رای ممتنع از جمع ۶۶نفر حاضر تصویب می‌شود. پس در اصل اهمیت این ابزار شکی نیست. اما الان می‌بینیم که این ابزار از یک طرف به نتیجه نمی‌رسد و از طرف دیگر گاهی اوقات مورد استفاده بی‌رویه قرار می‌گیرد. من یک آمار خدمت شما عرض می‌کنم. ببینید از ابتدای مجلس اول تا آخر مجلس هشتم ما ۱۸۲ طرح تحقیق‌وتفحص داریم که ۷۱مورد آن به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع شده، ۵۸مورد گزارش آنها در صحن قرائت شده و ۲۲مورد به قوه‌قضاییه ارجاع شده بود که خیلی به‌ندرت شاهد صدور حکم قضایی بوده‌ایم. حالا در مجلس نهم با توجه به مسایلی که دولت قبل داشت، در طول همین دوسال‌ونیمی که از عمر مجلس گذشته ۱۱۸ طرح تحقیق‌وتفحص ارایه شده و تا الان دو مورد هم گزارش خوانده شده و به قوه‌قضاییه رفته. واقعا شما فکر می‌کنید این حجم از تحقیق‌وتفحص‌ها هم به نتیجه‌گیری و گزارش می‌رسد و هم قوه‌قضاییه به آنها رسیدگی خواهد کرد؟ من با توجه به سوابق قبلی بعید می‌دانم.

خب تکلیف چیست؟ باید تحقیق‌وتفحص تعطیل شود؟

به عقیده من در روند انجام تحقیق‌وتفحص یکسری اشکالات وجود دارد. مثلا در آیین‌نامه مراحل تحقیق‌وتفحص مجزا نشده و روند انجام تحقیق‌وتفحص هم از شش‌ماه قابل افزایش به یک‌سال است اما در طول این مدت قابل رصد و پیگیری نیست. همین موضوع به فراموش‌شدن موضوع منجر شده و بیشتر تقاضاهای تحقیق‌وتفحص را بی‌اثر می‌کند. الزام به ارایه عمومی نتایج بررسی در دوره‌های زمانی مشخص مانند هفتگی می‌تواند این نقص را مرتفع کند. از سوی دیگر در جریان کار درصورت عدم همکاری مناسب دستگاه مورد تحقیق‌وتفحص متخلفان مورد تعقیب قضایی عادی قرار می‌گیرند، در حالی‌که نیاز به تعقیب ویژه یا تعقیب پارلمانی از نوع احکام دیوان محاسبات وجود دارد. به‌جز اینها و در مرحله اعلام نتایج هم به عقیده من بررسی و اقدام قوه‌قضاییه باید محدود به زمان شده و نتیجه آن در جلسه علنی قرائت شود. یعنی نتیجه اقدام قوه‌قضاییه باید مورد بحث و بررسی نمایندگان در صحن علنی قرار گیرد.

یعنی شما معتقدید که باید روش تحقیق‌وتفحص تغییر کند؟ درواقع نیاز به اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس هست یا تصویب قوانین الزام‌آور برای قوه‌قضاییه؟

پیشنهاد من تصویب یک طرح برای تغییر روند تحقیق‌وتفحص است که می‌توانیم در این قالب، یک نماینده قوه‌قضاییه را هم به هیات تحقیق‌وتفحص اضافه کنیم و روند بررسی قضایی همزمان با انجام تحقیق‌وتفحص طی شود و وقتی که گزارش در صحن قرائت می‌شود، نظر کارشناسی قوه‌قضاییه و جرایم احراز شده و حتی مجازات‌های موردنظر هم درخواست و برای صدور حکم به قوه‌قضاییه ارجاع شود. من به‌عنوان رییس هیات رسیدگی به سقوط هواپیمای آنتونوف در این پرونده نیز همین روش را اعمال کرده‌ام و الان همزمان با بررسی‌ها، کارشناس قوه‌قضاییه هم نظر خود را اعلام می‌کند. ما در این زمینه به‌همراه برخی دیگر از همکاران در حال تهیه یک طرح برای ارایه در صحن مجلس هستیم.

علیرضا محجوب در گفت‌وگو با «شرق»:

تا الان باید برای پرونده مرتضوی کیفرخواست صادر می‌شد

شرق، آمنه شیرافکن: سعید مرتضوی پرونده‌های متعددی در دادگاه دارد و باید یک به یک پاسخگوی آن باشد اما گلایه نمایندگان پیگیر پرونده تامین‌اجتماعی حالا بالا گرفته و بر این باورند که فرآیند رسیدگی به پرونده او درباره تامین‌اجتماعی به کندی پیش می‌رود. حسین دهدشتی، عضو کمیته تحقیق وتفحص از تامین‌اجتماعی در همین زمینه تاکید دارد: «پس از خوانده شدن گزارش در صحن علنی، گزارش تفحص به قوه‌قضاییه می‌رود و این قوه پس از سه تا چهار ماه باید نسبت به برگزاری دادگاه اقدام کند اما تا امروز هیچ خبری از برگزاری دادگاه مرتضوی به گوش نرسیده و این در حالی است که هفت ماهی از ارایه گزارش به دستگاه‌های مربوطه می‌گذرد.» البته علیرضا محجوب، رییس کمیته تفحص از تامین‌اجتماعی هم سخن دهدشتی را تایید کرده و به «شرق» می‌گوید: «تا همین‌جای کار هم انتظار ما این بود کیفرخواست پرونده صادر شود. یک سالی است که جزییات پرونده را به قوه‌قضاییه فرستاده‌ایم. پرونده قطور و کامل است و علاوه بر ما، نمایندگانی از قوه‌قضاییه و دادستانی دوباره برای بررسی دقیق و جمع‌آوری اسناد دیگر به تامین‌اجتماعی رفته‌اند.» دهدشتی البته به «شرق» خبر داده که برای پیگیری دقیق‌تر، از این به‌بعد نماینده‌ای از مجلس در جلسه‌های دادگاه رسیدگی به پرونده تامین‌اجتماعی حاضر خواهد شد تا از نزدیک در جریان پیگیری‌ها باشد. او هم تاکید دارد تا به حال باید دست‌کم پرونده به مرحله صدور کیفرخواست می‌رسید که هنوز نرسیده است. او همچنین خبر داده که «دو هفته‌ای می‌شود که دستگاه قضایی از سازمان تامین‌اجتماعی خواسته گزارش خود را درباره تخلفات این پرونده و گزارش تحقیق و تفحص مجلس ارایه کند تا روند تنظیم کیفرخواست تکمیل شود.» بیش از یک‌سال از ارجاع گزارش مجلس درباره تخلف گسترده صورت‌گرفته در سازمان تامین‌اجتماعی در دولت محمود احمدی‌نژاد به دستگاه قضایی می‌گذرد اما هنوز دادگاهی برای سعید مرتضوی، متهم اصلی این تخلفات و رییس وقت این سازمان تشکیل نشده است. براساس گزارش ۸۴ صفحه‌ای قرائت شده در صحن علنی مجلس، تخلفات گسترده‌ای در دوره ریاست سعید مرتضوی در سازمان تامین‌اجتماعی انجام شده. سعید مرتضوی در دوران آخر ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، مدیر عامل سازمان تامین‌اجتماعی بود. در گزارش هیات تحقیق و تفحص به مبلغ نجومی ۶۰میلیاردریال برای پاداش مالی یک سال اشاره می‌شود که تنها بین ۴۰ تا ۵۰نفر از مدیران سازمان توزیع می‌شود. این به معنای آن است که یک مدیر می‌توانسته تا ۴۰۰میلیون‌تومان پاداش بگیرد. البته این تنها بخش کوچکی از اتفاقات عجیب و غریبی است که در دوران مدیریت سعید مرتضوی در سازمان تامین‌اجتماعی رخ داده. بخش دیگری از ریخت و پاش‌ها و اختلاس‌های شبه‌قانونی به افزایش هزینه‌های پرسنلی سازمان برمی‌گردد. در حالی که سال ۱۳۸۶ مجموع هزینه‌های پرسنلی سازمان ۸۹۸ میلیارد تومان بوده، طی پنج سال نزدیک به سه‌برابر افزایش یافته و به دوهزارو۴۶۴میلیاردتومان رسیده است. شاهکار پرونده مرتضوی، ردپای پررنگ بابک زنجانی در این سازمان است. به جز این ارقام، همکاری سعید مرتضوی و بابک زنجانی برای تیم تحقیق‌وتفحص محرز شده است. ردپای بابک زنجانی در تامین‌اجتماعی، برخی واقعیت‌های پنهان را هویدا کرده است؛ اینکه مسوول معرفی بابک زنجانی به تامین‌اجتماعی، «دولت» بوده و این مساله از سوی یکی از نمایندگان عضو تحقیق‌وتفحص تایید می‌شود. آن‌طور که نادر قاضی‌پور آن روزها گفته بود: «در مورد خرید ۱۷هزارمیلیاردتومانی، تفاهمنامه موجود است؛ محرمانه هم نیست، عادی بوده و هم بابک زنجانی و هم مرتضوی آن را امضا کرده‌اند.» طومار فساد در پرونده تامین‌اجتماعی به این سادگی‌ها پایان نمی‌یابد و نمایندگان مجلس منتظر رسیدگی به ابعاد مختلف پرونده و صدور کیفرخواست هستند. البته سعید مرتضوی به جز پرونده تامین‌اجتماعی و ماجرای کهریزک باید پاسخگوی شکایت جمعی از وکلا به نمایندگی از کارکنان تامین‌اجتماعی نیز باشد. دهدشتی در این‌باره می‌گوید: «چوب‌خط آقای مرتضوی پر شده و حالا باید یک به یک منتظر رسیدگی به پرونده‌ها باشد. این پرونده برای نظام تعیین‌کننده است، رسیدگی همه‌جانبه نشان خواهد داد که نظام و حاکمیت در مورد قانون‌شکنی با هیچ‌کسی شوخی ندارد، حتی افرادی که روزی در دل نظام بوده‌اند و سمت‌های کلیدی داشته‌اند.»

> **دو هفته‌ای می‌شود که دستگاه قضایی از سازمان تامین‌اجتماعی خواسته گزارش خود را درباره تخلفات این پرونده و گزارش تحقیق و تفحص مجلس ارایه کند تا روند تنظیم کیفرخواست تکمیل شود**

ادامه از صفحه ۳

ناگفته‌های محسن رضایی از نامه سرنوشت‌ساز پایان جنگ

نامه سه‌سال قبل از نامه سال ۶۷

فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ در ادامه این برنامه به نامه دیگری نیز اشاره کرد و گفت: «بعد از عملیات والفجر مقدماتی، بحث این بود که جنگ بدون بسیج امکانات کشور، قابل ادامه‌دادن نیست؛ تعبیر من این بود که وقتی حکومت دست ماست نمی‌توانیم پارتیزانی بجنگیم و اگر می‌خواهیم صدام سقوط کند باید کشور بسیج می‌شد. در اردیبهشت سال۶۶ نیز نامه‌ای به امام(ره) دادم و گفتم اگر فکر اساسی نشود با توجه به گسترده‌شدن حملات عراق، همچون لقمه‌ای بلعیده می‌شویم.

برای آنکه بتوانم عمق مسایل را در جنگ نشان دهم پس از نگارش نامه استعفا کردم چرا که برخی تصور می‌کردند از جنگ برای گسترش و توسعه سپاه می‌خواهیم استفاده کنیم، از این‌رو استعفا کردم.» وی گفت: «در سال ۱۳۶۵ در نامه‌ای ۲۵صفحه‌ای به امام‌خمینی(ره) درباره مایحتاج موردنظر نوشتم و امام راحل نیز نامه‌ای برای تامین مایحتاج رزمندگان کربلای۵ در ۱۱بهمن۱۳۶۵ نوشته و دستور دادند و فرمودند که مسامحه، فاجعه در این راه به وجود می‌آورد.» دبیر مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام با بیان اینکه ۲۰درصد از درخواست‌هایمان تامین شد، ادامه داد: ارتش در آن زمان گفته بود اگر همه تجهیزات مورداشاره در این نامه را در اختیار سپاه قرار دهیم، ارتش باید منحل شود.»

ماجرای ترک جبهه‌ها برای انتخابات

رضایی در بخش دیگری از این برنامه در پاسخ به سوالی درباره ترک جبهه توسط برخی فرماندهان سپاه به‌منظور سازماندهی در انتخابات مجلس، این روایت را به‌شدت تکذیب کرد و گفت: «سال ۶۶ بحث نگرانی از آینده آغاز شد. برخی دوستان سیاسی فکر کردند می‌خواهیم با گرفتن برخی امکانات، سازمان سپاه را گسترش دهیم که البته فکر اشتباهی بود.» در این قسمت از برنامه یکی از مجریان، خطاب به رضایی گفت: «پس ماجرای ریاست‌جمهوری شما از آن سال‌ها مطرح بوده!» و رضایی هم در واکنش به این جمله تنها لبخند زد. وی با بیان اینکه ارتباط من با امام خمینی(ره) کمتر از آقای هاشمی نبود، یادآور شد: «در سال ۶۳ عملیات خیبر انجام شد. در همین سال یکی از دوستان ما، پیش یکی از ائمه جمعه کشور رفت و ایشان گفتند ما می‌دانیم شما دنبال چه هستید و می‌خواهید محسن رضایی را رییس‌جمهوری کنید! مگر اینکه از روی خون ما رد شوید.» رضایی در ادامه به دیدار آیت‌الله منتظری با امام اشاره کرد و در تعبیری عجیب از این دیدار گفت: «آقای منتظری خدمت امام رفته و گفته بود که چرا آنقدر از فرماندهان سپاه دفاع می‌کنید؟ اینها ممکن است کودتا کنند و امام فرموده بودند که اگر اینکار را انجام هم بدهند بچه‌های انقلابند و راه دوری نمی‌رود که البته امام راحل برای اینکه در برجک آیت‌الله منتظری بزند، چنین گفته بودند.»

ادامه از صفحه ۵

ناگفته‌هایی از اجرایی‌شدن قطعنامه۵۹۸

در برخی تحلیل‌ها از پذیرش ضمنی قطعنامه۵۹۸ در نامه ۹ اسفند ۱۳۶۶ وزیر امورخارجه ایران به دبیرکل سازمان‌ملل به‌عنوان اولین نشانه جدی از تحول در رفتار دیپلماسی ایران نام برده می‌شود اما به گفته محمدجواد ظریف صدور این نامه نیز بیشتر در چارچوب همان رفتار تاکتیکی صورت گرفت. با این حال دیپلماسی ایران توانسته بود برخلاف گذشته در مسیر نوعی عمل‌گرایی دیپلماتیک گام بردارد. رفتار انعطاف‌آمیز ایران در پیگیری حادثه ایرباس در حالی که به نتایج مورد انتظار در مورد قضاوت شورای امنیت درباره مسوولیت این حادثه نرسیده بود از آن حکایت می‌کرد که می‌کوشد گذشته‌ای طولانی از بی‌اعتمادی به سازمان‌های بین‌المللی را پشت‌سر گذارد و از امکانات این سازمان‌ها به‌عنوان نهادهای بین‌المللی حل منازعه بهره بگیرد تا نخست هرچه‌سریع‌تر به وضعیت نزاع خاتمه دهد و سپس مهم‌ترین مسایل مرتبط با آن را ازجمله تجدید اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اجرای بند ۶ قطعنامه۵۹۸ در مورد مسوولیت جنگ را تحقق بخشد. در این کتاب به چند زمینه اساسی برای دستیابی به این موفقیت‌ها پرداخته‌می‌شود:

اول: نحوه استقرار آتش‌بس و پس از آن آغاز گفت‌وگوهای صلح در ژنو است که به دلایلی که در کتاب آورده شده چهره متفاوتی از رفتار دو کشور را بعد از جنگ ترسیم کرد. عراق امتیازاتی فراتر از چارچوب حقوقی مذاکرات طلب می‌کرد و ایران مواضع خود را براساس منطق قابل‌درک‌تری از نظر عرف و هنجارهای شناخته‌شده بین‌المللی پیش می‌برد. پس اولین زمینه، ترسیم یک چهره جدید از ایران در نظام بین‌الملل است.

دوم: تا مرحله بن‌بست مذاکرات در اواخر ۱۳۶۸ عملا یک جابه‌جایی تدریجی در جایگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور صورت می‌گیرد. غرب آرام‌آرام در رفتار سیاسی عراق علایم تهدید را حس می‌کرد و به موازات آن، برای عادی‌سازی و بهبود روابط با ایران تلاش می‌کرد. پس دومین زمینه اساسی، رویکرد مثبت بازیگران موثر بین‌المللی تحت‌تاثیر بازسازی چهره جهانی ایران است. زمینه سوم، «همانند امروز» تاثیر رویدادهای منطقه‌ای نامطلوب است که برای دیپلماسی ایران فرصت‌ساز شد. اولین رویداد اشغال کویت توسط عراق در مرداد۱۳۶۹ بود که باعث شد این کشور برای عادی‌سازی روابط و جلب اعتماد و نیز همکاری احتمالی ایران در اوضاع پیچیده و مبهمی که اشغال کویت به‌دنبال آورده بود قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در مناسبات مرزی و حسن همجواری‌اش با ایران دوباره بپذیرد.

ادامه از صفحه اول

استادان، گمشده در بحران آب

این ارقام در دانشگاه‌های غیردولتی بالاترند، ولی اگر فرض کنیم چیزی نزدیک به همین رقم در این دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل باشند، به عددی در حدود ۱۲هزار متخصص در سال می‌رسیم که به‌نحوی در ارتباط با مساله آب، اقلیم و محیط‌زیست تحقیق می‌کنند. اگر فرض را بر این بگیریم که برای تربیت یک دانشجوی دکترا و دودانشجوی کارشناسی‌ارشد، یک‌عضو هیات علمی لازم است، می‌توان فرض کرد که دانشگاه‌های ما حدود سه تا چهارهزار هیات‌علمی متخصص در این زمینه دارند. اگر تعداد دانش‌آموختگان را در یک‌بازه زمانی ۱۰ساله ضرب کنیم، ۱۲۰هزارمتخصص محیط‌زیست، زیست‌شناسی و منابع آب تربیت خواهد شد. در رشته آب‌وهواشناسی در سال‌جاری ۶۰ فرصت دکترا و ۶۵۱فرصت کارشناسی‌ارشد به داوطلبان داده شده است. در حالی که کل ایستگاه‌های ثبت داده‌های سینوپتیک و اقلیم‌شناسی (کلیماتولوژی) کشور فقط ۴۱۰ است. فقط در رشته تخصصی من (علوم گیاهی) ۶۴ صندلی دکترا و ۵۸۶ صندلی کارشناسی‌ارشد در دانشگاه‌های دولتی وجود دارد و اگر این عدد (با احتساب دانشگاه‌های غیردولتی) دوبرابر فرض شود حدود هزارو۳۰۰ داوطلب به دانشگاه‌های کشور مراجعه می‌کنند و هرکدام موضوعی پژوهشی را برای رساله خود برمی‌گزینند. توجه شود تعداد گونه‌های گیاهی شناخته‌شده در کل کشور حدود هفت‌هزارو۳۰۰ است و با این روند تنها طی شش‌سال تعداد متخصصان ارشد و دکترای ما از تعداد گونه‌های گیاهی کشور بیشتر می‌شود! البته در این آمار فارغ‌التحصیلان سال‌های قبل و کسانی که ترجیح داده‌ا